

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»
۳۱ اکتوبر ۲۰۱۴

تیزاب پاشی بروی زنان در اصفهان

ادیان آسمانی و از جمله آخرین دین آسمانی یعنی دین مقدس اسلام برای ضرورت بشر و برای رهائی و نجات انسان در دارین نازل شده است. پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه و سلم رحمة للعالمین است. رحمتی که با انتخاب یک انسان را عمر ابوجهل بزرگترین دشمن اسلام و از عمر دیگر خلیفه دوم اسلام و قویترین رهبر و پیشوای مسلمانان خواند.

این همه و روی آوردن میلیاردها انسان کره زمین در طول تاریخ ۱۵۰۰ سال و داخل شدن دین اسلام نه به زور و نه به جبر و نه به اکراه می شود.

دین اسلام به موعظه حسنه امر نموده و در آغاز هر عمل و کلام به آغاز به نام الله تعالی رحمن و رحیم (بسم الله الرحمن الرحیم) سفارش می کند.

دین اسلام دین جبار و قهار هم است اما با قهر و اکراه دین اسلام را تحمیل کردن، فهم غیر دقیق از دین مقدس اسلام و چهره غیر واقعی از این دین است.

هدایات آسمانی در دین اسلام مستند به آیات قرآنی و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم باید توسط علماء مجتهد با دید درست از حکمت و فلسفه آن، برداشت درست صورت گرفته و مورد تطبیق به نحوی قرار گیرد که این دین واقعاً در عمل رحمتة للعالمین شده و نجات بشریت شود.

عمل کرد تعدادی از جوانان، جهال و کوته اندیشان به نام تحقیق احکام شریعت اسلامی بالای زنان به اصطلاح اوامر جاهلانه را تحت نام امر بالمعروف و نهی از المنکر، در شهر اصفهان کشور ایران، به نام رعایت حجاب، بروی زنان در آن منطقه در مظهر عام در ایجاد فضای رعب و ترس تیزاب پاشی نموده و آن را عمل مطابق اسلام خواندن به هیچ صورت عمل شرعی نیست و مبرر ندارد و داشته نمی تواند.

خواننده محترم برادر و خواهر مسلمان!

در این شک نیست که امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین فرایض در دین مقدس اسلام به شمار می رود. بدون شک سلامت و پایداری یک جامعه از جانب الله تعالی، و سپس با اقامه امر به معروف و نهی از منکر است. بزرگترین دلیل فساد و از هم گسیختگی اجتماع و گرفتار شدن به عذاب عمومی ترک امر به معروف و نهی از منکر است.

از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ثابت است که فرمود: «إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُنْكَرُوهُ أَوْشَكَ أَنْ يُعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابِهِ» (آن گاه که مردم، کار ناپسند را ببینند و اعتراضی ننمایند، بیم آن می رود که به عذاب عمومی گرفتار شوند).

الله می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» «سوره توبه آیت ۷۱» (مردان و زنان مؤمن ولی و دوست یکدیگرند؛ امر به و نهی از منکر می‌کنند). الله در این آیت توضیح می‌دهد که از صفات واجب مؤمنان، امر به معروف و نهی از منکر است.

الله تعالی می‌فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) (شما بهترین امتی بودید که آفریده شده‌اید. (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید؛ و به الله ایمان دارید).

«سوره آل عمران/آیت ۱۱۰»

همچنان در حدیث متبرکه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مسلمانان هدایت فرموده است: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِيلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَيَقْلِبْهُ؛ وَذَلِكَ أَوْعَفُ الْإِيمَانِ» (مسلم- ۴۹) (هر کس از شما کار ناپسندی مشاهده کرد. آن را با دستش تغییر دهد. اگر نتوانست. با زبانش؛ و اگر نتوانست با قلبش و این ضعیف‌ترین درجه ایمان است).

در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر، و سرزنش تارکین آن، آیات و احادیث زیادی روایت گردیده است. ولی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر چنانچه گفته آمدیم برای مسلمانان امر شده است تا از صبر و حوصله کار گیرند. به توضیح و تشریح احکام الهی و عطف و نصیحت بدارند اما در تطبیق جزاءها چنانچه در بالا نیز متذکر شدیم کار حاکمیت اسلامی است و جزای تیزاب پاشی در تطبیق جزاءها بر متخلف به صورت قطع نمی‌باشد.

بلی علمای اسلام به یک نظر به این معتقد اند که تطبیق احکام اسلامی (تیزاب پاشی ازین جمله نیست و مبرر ندارد) بر متخلف از احکام و هدایات اسلامی نیست و عملی است افراطی و خلاف شرع ولو اگر به مقصد خدمت و امر خیر انجام شده باشد. مرتکب آن قابل پیگرد عدلی است.

علماء به اتفاق به این باورند که اگر هرکس بنا بر تعبیر و فهم خویش تطبیق احکام جزائی را به دست بگیرد، جامعه اسلامی به اختلال و گدودی مواجه شده و این را به صورت قطع اسلام اجازه نمی‌دهد.

هدایت آکید در دین مقدس اسلام وجود دارد، اگر در حین اجرای اوامر و تبلیغ احکام اسلامی به دشنام هم مواجه شدید باید مانند شیوه پیامبران از صبر و از حوصله استفاده کنید، ادای رسالت نموده و هدایت که از صلاحیت بنده نیست و کار انسان و الله تعالی است به خود الله تعالی گذاشته شود و این حاکمیت اسلامی است که تدابیر متناسب مطابق به شرع غرای محمدی اتخاذ می‌دارد نه هر فرد و یا گروه مسلمین و آن هم به این نوع عمل خلاف شرع مبنی بر بدصورت کردن انسانها با تیزاب پاشی و دیگر اعلام خلاف احکام شرعی.

در رسانیدن احکام الهی الله تعالی خطاب به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (صبر کن، آن گونه که پیامبران اولوالعزم صبرکردند). «سوره احقاف/۳۵»

الله تعالی یک بار دیگر می‌فرماید: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (صبر و استقامت کنید که الله با استقامت کنندگان است). «انفال/۴۶»

همچنان در سوره لقمان آیت (۱۷) الله تعالی داستان نصیحت لقمان را به فرزندش چنین بازگو نموده است: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ».

(پسر! نماز را بر پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن. و در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد. شکیبا باش. که این از کارهای مهم است). «لقمان/۱۷»

خصوصیت یک دعوتگر:

در مورد خصوصیت یک دعوتگر و مجری امر بالمعروف ونهی از منکر به این نقطه به صراحت تام ذکر شده است که مجری دعوتگر باید خودش نمونه اخلاق اسلامی و نمونه اخلاق پیامبرانه باشد .

دعوتگر باید الگویی شایسته برای افرادی باشد که آنها را دعوت می‌دهد. اگر دعوتگر مردم را به انجام کار یک عمل نیک امر می‌نماید ، باید خودش از جمله اولین کسانی باشد که او کار خوب را انجام می‌دهد، و هرگاه مردم را از کار بد منع می‌فرماید، باید خودش اولین فردی باشد که آن کار بد و زشت را ترک نموده است.

اما با تأسف باید گفت در جوامع ما انسانهایی دیده شده است، که با گذاشتن عبا و قبا اسلامی مصروف دعوت به دیگران می‌گردند ولی خودش در انجام کار تعطل به خرچ می‌دهد . مبلغ امر بالمعروف ونهی از منکر نباید گفتارش با کردارش در تضاد باشد.

طوری که پروردگار با عظمت ما این عده اشخاص را در (آیت ۴۴ سوره بقره) چنین معرفی نموده اند: « أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ ثَلَاثُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ » یعنی: «آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید، و خود را فراموش می‌کنید، در حالی که شما کتاب می‌خوانید آیا نمی‌فهمید».

امام ابن کثیر رحمه الله مفسر شهیر جهان اسلام در تفسیر این آیت می‌فرماید: «بنابر صحیح‌ترین قول علماء - اعم از سلف و خلف - امر به معروف و انجام دادن آن امر از جانب خود امر کننده، هردو واجب است و یکی از آنها با ترک دیگری ساقط نمی‌شود و بعضی از علماء گفته اند که انسانی که مرتکب گناه شود نباید دیگری را از آن (گناه) نهی کند، ولی این قول صحیح نیست! و ضعیف تر از این قول اینست که این دسته از علماء به این آیت استناد می‌کنند؛ درحالی که این آیت حجتی برای گفته آنها نیست.

بنابراین، صحیح اینست که عالم باید به معروف امر کند هرچند او خود آن را انجام نمی‌دهد، و از منکر نهی نماید هرچند او خود مرتکب آن می‌گردد».

ابن کثیر اضافه می‌کند: «ولی باید دانست که علم بی‌عمل نکویده است، از این جهت در نکوهش عالم بی عمل، احادیث بسیاری آمده است، از جمله این حدیث شریف: « مَثَلُ الْعَالِمِ الَّذِي يُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ وَلَا يَعْمَلُ بِهِ كَمَثَلِ السَّرَّاجِ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَيَحْرِقُ نَفْسَهُ ». معجم الکبیر (۱۶۵/۲) وقال الهیثمی فی المجمع (۱/۱۸۵): « رجاله موثقون ». یعنی: «عالمی که خیر را به مردم می‌آموزد اما خود بدان عمل نمی‌کند، به چراغی می‌ماند که به مردم روشنایی می‌بخشد، ولی خودش را می‌سوزاند».

در حدیث شریف دیگری در مسند امام احمد آمده است: «مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرَى بِي عَلَى قَوْمٍ شَفَاهُهُمْ نَفَرَضَ بِمَقَارِبِضَ مِنْ نَارٍ. قَالَ: قُلْتُ: مَنْ هُوَ لَآءِ؟ " قَالُوا: خُطَبَاءُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا مِمَّنْ كَانُوا يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَيَنْسَوْنَ أَنْفُسَهُمْ، وَهُمْ يَثْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا يَعْقِلُونَ؟ ». المسند (۳/۱۲۰).

یعنی: «در شب معراج بر قومی گذر کردم که زبان آنها با قیچی‌هایی از آتش بریده می‌شد، گفتم: این گروه کیانند؟ گفتند: خطیبان و سخنرانان امت از اهل دنیا؛ از آنانی که مردم را به نیکی امر می‌کردند ولی خود را فراموش می‌نمودند، در حالی که کتاب را می‌خوانند، مگر آنان تعقل نمی‌کنند» .

همچنین علامه عبدالرحمن سعدی در تفسیر آیت (بقره ۴۴) می‌نویسد: « هرکس دیگری را به کار خوب فرمان دهد و خود آن کار را انجام ندهد، و یا کسی را از کار بد باز دارد و خود آن کار را ترک نکند این عمل مبین بی عقلی و نادانی وی می‌باشد، به خصوص وقتی که به این امر آگاه باشد، پس حجت بر او تمام می‌شود».

بناء زمانی که شخص و یا گروهی می‌خواهد که بنابر مکلفیت آسمانی خواستار تبلیغ هدایت اسلامی گردد باید خودش نمونه عالی اخلاقی باشد.

در خاتمه باید گفت که برخورد زشت و غیر انسانی با مردم به نام تطبیق و تبلیغ احکام آسمانی در شرع اسلامی جواز نداشته و کسانی که به نام اسلام دست به چنین تخلفات، تشنجات، قتل، ترور، وحشت و بربریت می زند و بر روی اشخاص به نام تلاش برای رعایت حجاب تیزاب می پاشند این عده اشخاص از دایره اسلام خارج و به هیچ صورت نمی توان برایشان خطاب یک دعوتگر و مسلمان صالح نموده.

چنین اعمالی در هر کجائی که انجام یابد، سبب بدنامی اسلام شده، خلاف اسلام است و عمل میرر شرعی ندارد. قابل پیگرد عدلی و قضائی است و مواخذة دنیوی و اخروی دارد.

حوادث تیزاب پاشی در شهر اصفهان از جمله اعمال غیر انسانی و غیر اسلامی بوده و به شدیدترین الفاظ قابل رد و نکوهش است. ومن الله التوفیق پایان

تتبع و نگارش:

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی